

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۴۵

آیه ۶۷-۶۹

آیه و ترجمه

۶۷ اولم یروا انا جعلنا حرما امنا و یتخطف الناس من حولهم
 اءبالباطل یؤمنون و بنعمة الله یکفرون
 ۶۸ و من اءظلم ممن افتری علی الله کذبا و کذب بالحق لما جاءه اءلیس
 فی جهنم مثوی للکافرین
 ۶۹ و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین

ترجمه :

۶۷ - آیا ندیدند که ما حرم امنی برای آنها قرار دادیم در حالی که مردم را
 در اطراف آنها (در بیرون این حرم) می ربایند؟ آیا به باطل ایمان می آورند
 و نعمت خدا را کفران می کنند؟
 ۶۸ - چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ می بندد، یا حق
 را پس از آنکه به سراغش آمد تکذیب می کند؟ آیا جایگاه کافران در
 دوزخ نیست؟
 ۶۹ - و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند قطعا هدایتشان
 خواهیم کرد و خدا با نیکوکاران است.

شان نزول :

در تفسیر «در المنثور» ذیل آیه مورد بحث از «ابن عباس» چنین
 نقل شده

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۴۶

«گروهی از مشرکان گفتند: ای محمد! اگر ما داخل در دین تو
 نمی شویم تنها به خاطر این است که می ترسیم مردم ما را بربایند (و به سرعت
 نابود کنند) چون جمعیت ما کم است و جمعیت مشرکان عرب بسیارند،
 به محض اینکه به آنها خبر رسد که ما وارد دین تو شده ایم به سرعت ما
 را می ربایند، و خوراک یک نفر از آنها هستیم!
 در اینجا آیه ۱ و لم یروا... نازل شد و به آنها پاسخ گفت.

تفسیر :

در آیات گذشته نیز به این بهانه مشرکان به صورت دیگری اشاره شده بود که ما می‌ترسیم اگر اظهار ایمان کنیم و به دنبال آن هجرت نمائیم زندگی مامختل گردد که قرآن از طرق مختلف به آنها پاسخ گفت. در آیات مورد بحث قرآن از طریق دیگری به آنها پاسخ می‌گوید و می‌فرماید: «آیا آنها ندیدند که ما برای آنها حرم امنی قرار دادیم» (سرزمین پاک و مقدس مکه) (اولم یروا انا جعلنا حرما آمنا). در حالی که عرب در ناامنی به سر می‌برند، و در بیرون این سرزمین انسانها را می‌ربایند، همه جا غارت است و کشتار، اما این سرزمین همچنان امن و امان باقی مانده است (و یتخطف الناس من حولهم). خدائی که قادر است در این دریای متلاطم و طوفانی سرزمین حجاز حرم مکه را همچون جزیره‌های آرام و امن و امان قرار دهد چگونه قدرت ندارد آنها را در برابر دشمنان حفظ کند؟ و چگونه آنها از این مردم ضعیف و ناتوان در برابر خداوند بزرگ و قادر متعال وحشت دارند؟! «آیا با این حال آنها به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را کفران می‌کنند»؟!

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۴۷

(افبالباطل یؤمنون و بنعمة الله یکفرون). کوتاه سخن اینکه خداوندی که می‌تواند در میان یک سرزمین گسترده بحرانی، که جمعی از مردم نیمه وحشی در آن سکونت دارند یک منطقه کوچک را در امنیت فرو برد چگونه نمی‌تواند انسانهای مؤمن را در میان انبوهی کافر و بی ایمان حفظ کند؟ پس از ذکر این دلیل روشن در آیه بعد چنین نتیجه گیری و جمع بندی می‌کند: «آیا کسی ظالمتر از آنها که بر خدا دروغ می‌بندند، یا حق را پس از آن که به سراغشان آمد انکار می‌کنند پیدا می‌شود»؟! (و من اظلم ممن افتری علی الله کذبا او کذب بالحق لما جائه). ما دلائل آشکاری برای شما اقامه کردیم که جز «الله» شایسته پرستش نیست اما شما بر خدا دروغ می‌بندید و شریکانی برای او می‌تراشید، وحتى مدعی هستید که این یک برنامه الهی است! از سوی دیگر قرآنی بر شما نازل کردیم که نشانه‌های حق در آن لائح است، اما

شما همه اینها را نادیده گرفته و پشت سر افکندید، آیا ظلم و ستمی از این برتر تصور می‌شود؟ ظلم بر خویشان، و ظلم بر همه انسانها، چرا که شرک و کفر ظلم عظیم است.

به تعبیر دیگر آیا ظلم به معنی وسیع کلمه جز انحراف و خارج ساختن چیزی از محل شایسته‌اش می‌باشد؟ آیا بدتر از این پیدا می‌شود که انسان یک مشت سنگ و چوب بیارزش را هم‌ردیف خالق آسمانها و زمین قرار دهد؟ بعلاوه شرک خمیر مایه همه مفاصد اجتماعی است و ستمهای دیگر درواقع از آن سرچشمه می‌گیرد، هواپرستی، مقام‌پرستی، و دنیاپرستی هر کدام نوعی از شرک است.

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۴۸

ولی بدانید عاقبت شومی در انتظار مشرکان است «آیا محل و جایگاه کافران دوزخ نیست»؟ (الیس فی جهنم مثنوی للکافرین).

قابل توجه اینک در ۱۵ مورد از قرآن مجید افرادی به عنوان «ظالمترین مردم» معرفی شده‌اند که همه آنها با جمله استفهامیه «من اظلم» (استفهام انکاری) شروع شده است.

دقت در این آیات نشان می‌دهد که آیات مزبور گرچه مسائل متنوعی ظاهرادر آنها مطرح است، اما همه آنها به ریشه شرک باز می‌گردد، بنابراین هیچ تضادی در میان آنها نیست (برای توضیح بیشتر به جلد پنجم صفحه ۱۸۳ -ذیل آیه ۲۱ سوره انعام - مراجعه فرمائید).

آخرین آیه مورد بحث که در عین حال آخرین آیه سوره عنکبوت است واقعیت مهمی را بیان می‌کند که عصارهای از تمام این سوره و هماهنگ با آغاز آن است.

می‌فرماید: راه خدا گرچه مشکلات فراوان دارد، مشکل از نظر شناخت حق، مشکل از نظر وسوسه‌های شیاطین جن و انس، مشکل از نظر مخالفت دشمنان سرسخت و بی‌رحم، و مشکل از نظر لغزشهای احتمالی اما در اینجا یک حقیقت است که به شما در برابر این مشکلات نیرو و اطمینان می‌دهد و حمایت می‌کند و آن اینکه: «کسانی که در راه ما جهاد کنند ما آنها را به طرق خویش هدایت می‌کنیم، و خداوند با نیکوکاران است» (والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین).

در اینک منظور از «جهاد» در اینجا چیست؟ و آیا جهاد با دشمن است، یا

جهاد با نفس، یا جهاد در راه شناخت خدا از طرق علمی و استدلالی؟ مفسران احتمالات متعددی داده‌اند.

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۴۹

و همچنین در مورد تعبیر «فینا» که آیا منظور در راه رضای خدا است، یا در راه جهاد با نفس، یا در طریق عبادت، یا در طریق مبارزه با دشمن؟ ولی پیدا است که هم تعبیر به «جهاد» تعبیر وسیع و مطلق است و هم تعبیر «فینا»، بنابراین هر گونه جهاد و تلاشی را که در راه خدا و برای او و به منظور وصول به اهداف الهی صورت گیرد شامل می‌شود، خواه در طریق کسب معرفت باشد، یا جهاد با نفس، یا مبارزه با دشمن یا صبر بر طاعت، یا شکیبائی در برابر وسوسه معصیت، یا در مسیر کمک به افراد مستضعف، و یا انجام هر کار نیک دیگر.

کسانی که در این راه‌ها به هر شکل و هر صورت برای خدا مجاهده کنند مشمول حمایت و هدایت الهی هستند.

ضمناً از آنچه گفتیم روشن شد که منظور از «سبل» در اینجا راه‌های مختلفی است که به سوی خدا منتهی می‌شود: راه جهاد با نفس، راه مبارزه با دشمنان، راه علم و دانش و فرهنگ، خلاصه جهاد در هر یک از این راه‌ها سبب هدایت به مسیری است که به خدا منتهی می‌شود.

این وعده‌ای است که خداوند مؤکداً به همه مجاهدان راهش داده، و با انواع تءکیدات (لام تءکید و نون تءکید ثقیله) آن را مؤکد ساخته و پیروزی و ترقی و موفقیت را در گرو دو چیز شمرده، «جهاد» و «خلوص نیت».

جمعی از فلاسفه معتقدند که اندیشه و مطالعه و تفکر ایجاد علم و دانش نمی‌کند، بلکه روح انسانی را برای پذیرش صور معقولات آماده می‌سازد و هنگامی که روح انسانی آماده پذیرش شد فیض علم از خالق متعال و واهب‌الصور بر روح انسان پاشیده می‌شود.

بنابراین انسان باید در این راه جهاد کند ولی هدایت به دست خدا است. و اینکه در حدیث وارد شده است که علم به کثرت تعلیم و تعلم نیست بلکه نوری است که خداوند به قلب هر کس بخواهد و شایسته بداند می‌افکند نیز ممکن

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۵۰

است اشاره به همین معنی باشد.

نکته‌ها:

۱ - «جهاد» و «اخلاص»

از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که هرگونه شکست و ناکامی نصیب م‌اشود معلول یکی از دو چیز است: یا در جهاد کوتاهی کرده‌ایم، و یا اخلاص در کار ما نبوده است، و اگر این دو با هم جمع شود بنا به وعده مؤکد الهی، پیروزی و هدایت حتمی است.

و اگر درست بیندیشیم می‌توانیم سرچشمه مشکلات و مصائب جوامع اسلامی را در همین امر پیدا کنیم.

چرا مسلمانان پیشرو دیروز، امروز عقب مانده‌اند؟

چرا دست نیاز در همه چیز حتی در فرهنگ و قوانین خویش به سوی بیگانگان دراز می‌کنند؟

چرا برای حفظ خود در برابر طوفانهای سیاسی و هجومهای نظامی باید به دیگران تکیه کنند؟

چرا یک روز دیگران ریزه خوار خوان نعمت علم و فرهنگ آنها بودند اما امروز باید بر سر سفره دیگران بنشینند؟

و بالاخره چرا در چنگال دیگران اسیرند و سرزمینهای آنها در اشغال متجاوزان؟!

تمام این «چراها» یک پاسخ دارد و آن اینکه یا جهاد را فراموش کرده‌اند و یا نیتها آلوده شده است.

آری جهاد در صحنه‌های علمی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و نظامی به دست فراموشی سپرده شده، حب نفس و عشق به دنیا و راحت طلبی و کوتاه‌نگری و اغراض

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۵۱

شخصی بر آنها چیره شده، تا آنجا که کشتگان‌شان به دست خودشان بیش از کشتگانی است که دشمن از آنها قربانی می‌گیرد!

خودباختگی گروهی غریزه و شرق‌زده، خودفروختگی جمعی از زمامداران و سران، و یاس و انزوای دانشمندان و متفکران هم جهاد را از آنها گرفته، و هم اخلاص را.

هر گاه مختصر اخلاصی در صفوف ما پیدا می‌شود و مجاهدان ما تکانی به خود

می دهند پیروزیها پشت سر یکدیگر فرا می رسد.

زنجیرهای اسارت گسسته می شود.

یاء سها تبدیل به امید و ناکامیها مبدل به کامیابی، ذلت به عزت و سربلندی، پراکندگی و نفاق به وحدت و انسجام تبدیل می گردد، و چه عظیم و الهام بخش است قرآن که در یک جمله کوتاه هم درد و هم درمان را بیان کرده!

آری آنها که در راه خدا جهاد می کنند مشمول هدایت الهی هستند و بدیهی است که با هدایت او گمراهی و شکست مفهومی ندارد.

اگر می بینیم در بعضی از روایات اهل بیت (علیهم السلام) این آیه تفسیر به آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و پیروان آنها شده است بیان مصداق کاملی از آن است، چرا که آنها در طریق جهاد و اخلاص پیشگام و پیشقدم بودند و هرگز دلیل بر محدودیت مفهوم آیه نخواهد بود.

به هر حال هر کس این حقیقت قرآنی را به روشنی در تلاشها و کوششهایش لمس می کند که وقتی برای خدا و در راه او به تلاش و پیکار برمی خیزد در هابه روی او گشوده می شود، و مشکلات آسان و سختیها قابل تحمل و سرانجام می گردد.

۲ - مردم سه گروهند:

گروهی منکران لجوجند که هیچ هدایتی برای آنها سودی نمی دهد،

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۵۲

و گروهی پیکارگر مخلص هستند که به حق می رسند.

اما گروه سومی از اینها هم برترند، آنها دور نیستند تا نزدیک شوند، از او جدانیستند که به او بپیوندند، چرا که همیشه با اویند!

آیه گذشته (و من اظلم ممن افتری) اشاره به گروه اول بود.

جمله و الذین جاهدوا فینا اشاره به گروه دوم است.

و جمله ان الله لمع المحسنين اشاره به گروه سوم!

ضمناً از این تعبیر روشن می شود که مقام «محسنین» از مجاهدین

فرا تر است چرا که آنها علاوه بر جهاد و تلاش در راه نجات خود دارای مقام

ایثار و احسانند و برای دیگران نیز تلاش می کند.

پروردگارا! آنچنان توفیقی به ما مرحمت کن که در تمام عمر دست از تلاش و

کوشش در راه تو باز نداریم.

خداوند! آنچنان اخلاصی مرحمت فرما که به غیر از تو نیندیشیم، و برای غیر تو گام برنداریم.

بارالها! ما را از مقام مجاهدان فراتر بر، و به مقام احسان و ایثار محسنین نائل گردان، و در همه عمر زیر پوشش هدایتت قرار ده! آمین یا رب العالمین!

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۵۳

سوره روم

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۶۰ آیه است

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۵۵

محتوای سوره روم

از آنجا که این سوره مطابق مشهور تماماً در مکه نازل شده است، محتوا و روح سوره‌های مکی در آن منعکس می‌باشد، یعنی بیش از همه چیز بحث از مسأله «مبدء» و «معاد» می‌کند، چرا که دوران مکه دوران آموزشی اعتقادات اصیل اسلامی، توحید و مبارزه با شرک، و توجه به معاد و دادگاه رستاخیز بود، و در لابلاي این مباحث مطالب دیگری در ارتباط با آنها نیز مطرح شده است. در حقیقت مطالب این سوره را در هفت بخش می‌توان خلاصه کرد.

۱ - پیشگویی از پیروزی رومیان بر ایرانیان در جنگی که در آینده درگیر می‌شد، به مناسبت گفتگویی که میان مسلمانان و مشرکان در این زمینه روی داده بود که مشروح آن به خواست خدا خواهد آمد.

۲ - گوشه‌ای از طرز فکر و چگونگی حالات افراد بی‌ایمان، و سپس تهدیدهایی نسبت به آنها در مورد عذاب و کیفر الهی در رستاخیز.

۳ - بخش مهمی از آیات عظمت خداوند در آسمان و زمین و در وجود انسانها از قبیل خروج حیات از مرگ، و مرگ از حیات، خلقت انسان از خاک، نظام زوجیت و آفرینش همسران برای انسانها و رابطه مودت در میان آنها، آفرینش آسمان و زمین، اختلاف زبانها، نعمت خواب در شب و جنبش در روز، ظهور رعد و برق و باران، و حیات زمین بعد از مرگ، و تدبیر امر آسمان و زمین به امر خدا.

۴ - سخن از توحید فطری بعد از بیان دلائل آفاقی و انفسی برای شناخت خدا.

۵ - بازگشت به شرح و تبیین حالات افراد بی‌ایمان و گنهکار، و ظهور فساد

در زمین بر اثر گناهان آنها.

۶ - اشاره‌ای به مسأله مالکیت و حق ذی القربی و نکوهش از رباخواری.

۷ - بازگشت مجددی به دلائل توحید و نشانه‌های حق و مسائل مربوط به معاد.

روی هم رفته در این سوره همچون سوره‌های دیگر قرآن مسائل استدلالی و عاطفی و خطابی چنان بهم آمیخته شده است که معجون کاملی برای هدایت و تربیت نفوس فراهم ساخته است.

فضیلت سوره روم

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) که قبلاً نیز به آن اشاره کردیم چنین آمده است:

«هر کس سوره عنکبوت و روم را در ماه رمضان در شب بیست و سوم بخواند بخدا سوگند اهل بهشت است و هیچ در این سخن استثنا نمی‌کنم... و این دو سوره موقعیت مهمی نزد پروردگار دارند».

و در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین آمده: «من قرئها کان له من الاجر عشر حسنات بعدد کل ملک سبح الله بین السماء و الارض و ادرک ما ضیع فی یومه و لیلته»: «هر کس سوره روم را بخواند پاداشی معادل ده حسنه به تعداد هر فرشته‌ای که در میان آسمان و زمین تسبیح خدا می‌گوید خواهد داشت و آنچه را در روز و شب از دست داده جبران خواهد کرد».

بدیهی است کسی که محتوای این سوره را که سراسر درس توحید خدا و دادگاه بزرگ قیامت است در روح و جان خود جای دهد و مراقبت پروردگار را در هر لحظه در خود ببیند و روز جزا و محکمه عدل الهی را مسلم بداند، تقوای الهی چنان قلبش را پر می‌کند که شایسته چنین پاداش بزرگی است.

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ الم

۲ غلبت الروم

۳ فی اءدنى الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون

۴ فی بضع سنین لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون

۵ بنصر الله ینصر من یشاء و هو العزیز الرحیم

۶ وعد الله لا یمخلف الله وعده و لكن اکثر الناس لا یعلمون

۷ یعلمون ظهرا من الحیوة الدنیا و هم عن الآخرة هم غافلون

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۵۹

ترجمه :

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

۱ - الم

۲ - رومیان مغلوب شدند.

۳ - (و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد، اما آنها بعد از مغلوبیت به زودی غلبه خواهند کرد.

۴ - در چند سال، همه کارها از آن خدا است، چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی) و در آن روز مؤمنان خوشحال خواهند شد.

۵ - به سبب یاری پروردگار، خداوند هر کس را بخواهد نصرت می‌دهد و او عزیز و حکیم است.

۶ - این چیزی است که خدا وعده کرده، و وعده الهی هرگز تخلف نمی‌پذیرد، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

۷ - آنها تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دادند، و از آخرت (و پایان کار) بیخبرند.

شان نزول :

مفسران بزرگ همگی اتفاق دارند که آیات نخستین این سوره بدین سبب نازل شد که در آن هنگام که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه بود، و مؤمنان در اقلیت قرار داشتند، جنگی میان ایرانیان و رومیان در گرفت، و در این نبرد ایرانیان پیروز شدند.

مشرکان مکه این را به فال نیک گرفتند و دلیل بر حقانیت شرک

خود دانستند! و گفتند: ایرانیان مجوسی هستند و مشرک (دوگانه پرست) اما رومیان مسیح‌حینند و اهل کتاب، همانگونه که «ایرانیان» بر «رومیان» غلبه کردند پیروزی نهائی از آن شرک است و طومار اسلام به زودی پیچیده خواهد شد و ما پیروز می‌شویم. گرچه اینگونه نتیجه‌گیریها پایه و مایه‌ای نداشت اما در آن جو و محیط برای تبلیغ در میان مردم جاهل خالی از تأثیر نبود، لذا این امر بر مسلمانان

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۶۰

گران آمد.

آیات فوق نازل شد و قاطعانه گفت: گرچه ایرانیان در این نبرد پیروز شدند اما چیزی نمی‌گذرد که از رومیان شکست خواهند خورد و حتی حدود زمان این پیشگوئی را نیز بیان داشت و گفت این امر فقط در طول چند سال به وقوع می‌پیوندد! این پیشگوئی قاطع قرآن که از یکسو نشانه اعجاز این کتاب آسمانی و اتکاء آورنده آن به علم بی‌پایان پروردگار به عالم غیب است، و از سوی دیگر نقطه مقابل تفاعل مشرکان بود، مسلمانان را طوری دلگرم ساخت که حتی می‌گویند بعضی از آنان با مشرکان روی این مسأله شرط بندی مهمی کردند! (آن روز هنوز حکم تحریم اینگونه شرط بندیها نازل نشده بود).

تفسیر :

یک پیشگوئی عجیب!

این سوره جزء ۲۹ سوره‌ای است که با حروف مقطعه آغاز می‌شود (الم). کرارا در تفسیر این حروف مقطعه (مخصوصا در آغاز سوره بقره، آل عمران و اعراف) بحث کرده‌ایم.

تنها چیزی که در اینجا جلب توجه می‌کند این است که برخلاف بسیاری از سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شود و پشت سر آن سخن از عظمت قرآن است در اینجا بحثی از عظمت قرآن نمی‌یابیم، بلکه سخن از شکست رومیان و پیروزی مجدد آنها در آینده است، ولی با دقت روشن می‌شود که این بحث نیز

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۶۱

بیان عظمت قرآن است، چرا که این خبر غیبی مربوط به آینده از

نشانه‌های اعجاز و عظمت این کتاب آسمانی محسوب می‌شود.
بعد از ذکر حروف مقطعه می‌فرماید: «رومیان مغلوب شدند»
(غلبت الروم).

«و این شکست در سرزمین نزدیکی واقع شد» (فی ادنی الارض).
نزدیک به شما مردم مکه، در شمال جزیره عرب، در اراضی شام، در منطقه‌ای
میان «بصری» و «اذرعات».

و از اینجا معلوم می‌شود که منظور از «روم» روم شرقی است نه روم غربی.
بعضی از مفسران مانند مرحوم شیخ طوسی در تبیان احتمال داده‌اند
که منظور نقطه نزدیکی به سرزمین ایرانیان بوده است یعنی در محلی واقع
شد که نزدیکترین نقطه میان ایران و روم بود.

درست است که تفسیر اول با الف و لام عهد در کلمه «الارض»
مناسبت‌راست ولی به طوری که خواهیم گفت از جهاتی تفسیر دوم صحیح‌تر
به نظر می‌رسد.

در اینجا تفسیر سوم نیز وجود دارد که شاید تفاوت زیادی از نظر نتیجه
باتفسیر دوم نداشته باشد، و آن اینکه منظور از این زمین، زمین روم است یعنی
آنها در نزدیکترین سرحداتشان با ایران گرفتار شکست شدند. و این اشاره به
اهمیت و عمق این شکست است چرا که شکست در نقطه‌های دور دست و
مرزهای بعید، چندان مهم نیست، مهم آن است که کشوری در نزدیکترین
مرزهایش به دشمن که از همه جا قویتر و نیرومندتر است گرفتار شکست
شود.

بنابراین ذکر جمله «فی ادنی الارض» اشاره‌ای خواهد بود به اهمیت این
شکست، و طبعا پیشگوئی از پیروزی طرف مغلوب ظرف چند سال آینده

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۶۲

واجد اهمیت بیشتری خواهد بود که جز از طریق اعجاز قابل پیش‌بینی نیست!
سپس اضافه می‌کند: «آنها (رومیان) بعد از مغلوبیت به زودی غلبه خواهند
کرد» (و هم من بعد غلبهم سیغلبون).

با اینکه جمله «سیغلبون» (به زودی غالب می‌شوند) برای بیان
مقصود کافی بود، ولی مخصوصاً تعبیر «من بعد غلبهم» (بعد از
مغلوبیتشان) بر آن افزوده شده است، تا اهمیت این پیروزی آشکارتر گردد،
چرا که غالب شدن یک جمعیت مغلوب آنها در نزدیکترین و نیرومندترین

مرزهایش، در یک مدت کوتاه غیر منتظره است و قرآن صریحا از این حادثه غیر منتظره خبر می دهد.

سپس حدود سالهای آن را با این عبارت بیان می کند: «در چند سال»! (فی بضع سنین).

و می دانیم مفهوم تعبیر «بضع» حداقل سه و حداکثر آن نه می باشد. و اگر می بینید خداوند از آینده خبر می دهد، به خاطر آن است که همه چیز و همه کار به دست او است چه قبل از پیروزی و چه بعد از پیروزی این قوم شکست خورده» (لله الامر من قبل و من بعد). بدیهی است بودن همه چیز به دست خدا و به فرمان و اراده او، مانع از اختیار و آزادی اراده ما، و تلاش و کوشش و جهاد در مسیر اهداف مورد نظر نیست به تعبیر دیگر این عبارت نمی خواهد اختیار را از دیگران سلب کند، بلکه می خواهد این نکته را روشن سازد که قادر بالذات و مالک علی الاطلاق او است و هر کس هر چیزی دارد از او دارد.

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۶۳

سپس می افزاید اگر امروز که رومیان شکست خوردند مشرکان خوشحال شدند «در آن روز که رومیان غالب شدند مؤمنان خوشحال خواهند شد»! (و یومئذ یفرح المؤمنون).

آری «خوشحال می شوند به نصرت الهی» (بنصر الله).

«خداوند هر که را بخواهد یاری می کند، و او شکست ناپذیر و مهربان است» (ینصر من یشاء و هو العزیز الرحیم).

در اینکه منظور از خوشحالی مسلمانان در آن روز چیست؟ جمعی گفته اند منظور خوشحالی از پیروزی رومیان است هر چند آنها نیز در صف کفار بودند، اما چون دارای کتاب آسمانی بودند پیروزی آنها بر مجوسیان مشرک یک مرحله از پیروزی «توحید» بر «شرک» بود.

و بعضی افزوده اند: مؤمنان از این خوشحال شدند که این حادثه را به فال نیک گرفتند و دلیلی بر پیروزی آنها بر مشرکان.

یا اینکه شادی آنان از این بود که عظمت قرآن و صدق پیشگویی قاطع آن که خود یک پیروزی مهم معنوی برای مسلمین محسوب می شد در آن روز ظاهر گشت.

این احتمال نیز بعید به نظر نمی رسد که پیروزی رومیان مقارن بود با یکی

از پیروزیهای مسلمین بر مشرکان بخصوص اینکه در بعضی از کلمات مفسران بزرگ آمده که این پیروزی مقارن پیروزی «بدر»، و یا مقارن «صلح حدیبیه» بود که آن نیز در نوع خود یک پیروزی بزرگ محسوب می شد. مخصوصا تعبیر بنصر الله نیز تناسب با این معنی دارد. خلاصه، مسلمانان در آن روز از جهات مختلفی خوشحال شدند: از پیروزی اهل کتاب بر مجوسیان که صحنه‌ای از غلبه خداپرستی بر شرک بود.

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۶۴

از پیروزی معنوی به خاطر ظهور اعجاز قرآن. و از پیروزی مقارن آن که احتمالا «صلح حدیبیه» یا یکی دیگر از فتوحات مسلمین بود. باز هم برای تاءکید بیشتر می فرماید: «این وعده‌ای است که خدا داده است» (وعد الله).

«و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نخواهد کرد، هر چند اکثر مردم نمی دانند» (لا یخلف الله وعده و لکن اکثر الناس لا یعلمون).

و علت عدم آگاهی مردم عدم معرفتشان نسبت به خدا و علم و قدرت اوست آنها خدا را به درستی نشناختند، و لذا از این حقیقت که او محال است از وعده‌اش تخلف کند درست آگاه نیستند، چرا که تخلف از وعده یا بخاطر جهل است که مطلبی مکتوم بوده سپس آشکار گردیده و مایه تغییر عقیده شده است، و یا به خاطر ضعف و ناتوانی است که وعده دهنده از عقیده خود باز نگشته ولی توانائی بر انجام وعده خود ندارد. اما خدائی که هم از عواقب امور آگاه است و هم قدرتش مافوق همه قدرتهاست هرگز از وعده‌اش تخلف نخواهد کرد.

سپس می افزاید «این مردم کوتاه بین تنها ظاهری از زندگی دنیا را می بینند و از آخرت و پایان کارها بی خبرند»! (یعلمون ظاهرا من الحیاة الدنیا و هم عن الآخرة هم غافلون).

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۶۵

آنها تنها از زندگی دنیا آگاهند، و تازه از این زندگی نیز به ظاهری قناعت کرده اند، مجموعه‌ای از سرگرمیها و لذات زودگذر و خوابها و خیالها برداشت آنها را از زندگی دنیا تشکیل می دهد، غرور و غفلتی که در

این برداشت نهفته است بر کسی پوشیده نیست.
اگر آنها باطن و درون این زندگی دنیا را نیز می دانستند برای شناخت
آخرت کافی بود، چرا که دقت کافی در این زندگی زودگذر نشان می دهد
که حلقه ای است از یک سلسله طولانی، و مرحله ای است از یک مسیر
بزرگ، همانگونه که دقت در زندگی دوران جنینی نشان می دهد که هدف
نهائی خود این زندگی نیست، بلکه این یک مرحله مقدماتی برای
زندگی گسترده ای است.
آری آنها تنها ظاهری از این زندگی را می بینند و از محتوا و مفاهیم و
مکنون آن غافلند.

جالب اینکه با تکرار ضمیر «هم» به این حقیقت اشاره می کند که علت این
غفلت و بیخبری خود آنها هستند، درست مثل اینکه کسی به ما بگوید: مرا از
این امر تو غافل کردی، و در جواب بگوئیم: تو خودت غافل شدی، یعنی سبب
غفلت خودت بودی.

نکته ها:

۱ - اعجاز قرآن از دریچه علم غیب

۱ - یکی از طرق اثبات اعجاز قرآن خبرهای غیبی قرآن است که یک
نمونه روشن آن در همین آیات مورد بحث آمده، در طی چند آیه با انواع
تاء کیدات از پیروزی بزرگ یک ارتش شکست خورده در چند سال بعد خبر
می دهد، و آن را به عنوان یک وعده تخلف ناپذیر الهی معرفی می کند.
از یک سو خبر از اصل پیروزی می دهد (و هم من بعد غلبهم سیغلبون).

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۶۶

از سوی دیگر خبر از پیروزی دیگری برای مسلمانان بر کفار مقارن همان زمان
(و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله).
و از سوی سوم تصریح می کند که این امر در چند سال آینده به وقوع
خواهد پیوست (فی بضع سنین).
و از سوی چهارم با دو بار تاء کید، قطعی بودن این وعده الهی را مسجل می کند
(وعد الله - لا یخلف الله وعده).
تاریخ به ما می گوید که هنوز نه سال نگذشته بود که این دو حادثه انجام یافت.
رومیان در نبرد جدیدی بر ایرانیان پیروز شدند، و مقارن همان زمان مسلمانان
با صلح حدیبیه (و طبق روایتی در جنگ بدر) پیروزی چشمگیری بر دشمنان

پیدا کردند.

اکنون این سؤال مطرح است که آیا یک انسان با علم عادی می‌تواند این چنین قاطعانه از حادثه‌ای به این مهمی خبر دهد؟ حتی فرضاً اگر قابل پیش‌بینی سیاسی هم باشد - که نبود - باید با قید احتیاط و ذکر احتمال بگویند، نه این چنین با صراحت و قاطعیت که اگر تخلف آن ظاهر گردد بهترین سند برای ابطال دعوی نبوت به دست دشمنان خواهد افتاد.

حقیقت این است که مسائلی از قبیل پیش‌بینی پیروزی یک کشور بزرگ همچون کشور روم با مسأله مباحله به خوبی نشان می‌دهد که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بجای دیگری دل بسته بود، و پشتگرمی از جای دیگر داشت، و گرنه هیچکس در شرائط عادی توانائی و جرات بر چنین اموری ندارد.

بخصوص اینکه مطالعه در حال پیامبر اسلام نشان می‌دهد که او از کسانی نبود که بی‌گدار به آب بزنند، بلکه کارهایش حساب شده بود، چنین ادعائی از چنین کسی نشان می‌دهد که او تکیه بر جهان ماورای طبیعت، بر وحی الهی و علم بی‌پایان خداوند داشته است.

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۶۷

در باره تطبیق تاریخی این پیشگوئی قرآن به زودی بحث خواهیم کرد.

۲ - ظاهر بینان!

اصولاً بینش یک انسان مؤمن و الهی با یک فرد مادی یا مشرک تفاوت بسیار دارد.

اولی طبق عقیده توحیدی جهان را مخلوق خداوند حکیم و آگاهی می‌داند که تمام افعالش روی حساب و برنامه است و به همین دلیل معتقد است که جهان مجموعه‌ای است از اسرار و رموز دقیق، هیچ چیز در این عالم ساده نیست، همه کلمات این کتاب پر محتوا و پر معنی است.

این بینش توحیدی به او می‌گوید: از کنار هیچ حادثه و هیچ موضوعی ساده‌نگذر زیرا ممکن است ساده‌ترین مسائل پیچیده‌ترین آنها باشد. او همیشه به عمق این جهان می‌نگرد و به ظواهر آن قانع نیست، او این درس را در مکتب توحید خوانده است، او برای عالم هدف بزرگی قائل است و همه چیز را در دایره آن هدف می‌بیند.

در حالی که یک فرد مادی و بی‌ایمان دنیا را مجموعه‌ای از حوادث کور و کرو

بی هدف می شمرد، و جز به ظاهر آن نمی اندیشد. اصلاً برای آن باطن و عمقی قائل نیست، مگر می توان برای کتابی که مجموعه خطوط آن همان چیزی است که کودکی با حرکات بی هدف دست خود به روی کاغذ به وجود آورده است اهمیت و عمقی قائل شد؟!

حتی به گفته بعضی از دانشمندان بزرگ علوم طبیعی تمام اندیشمندان بشر از هر قشر و گروه که در باره نظام جهان به اندیشه برخاسته اند، از نوعی تفکر مذهبی برخوردار بوده اند (دقت کنید).

((آینشتاین)) دانشمند معروف معاصر می گوید: «به سختی می توان در

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۶۸

میان مغزهای متفکر جهان کسی را یافت که دارای یکنوع احساس مذهبی مخصوص به خود نباشد، این مذهب با مذهب یک شخص عامی فرق دارد... مذهب این دانشمند تحیری شعف آور از نظام عجیب و دقیق کائنات است که گهگاه پرده از روی اسراری برمی دارد که در مقایسه با آن تمام تلاشها و تفکرات منظم بشری انعکاسی ناقابل بیش نیست»!.

در جای دیگر می گوید: «اصلاً چیزی که سبب شد دانشمندان و متفکران و مکتشفان در تمام طول قرون و اعصار در گوشه تنهائی به مطالعه اسرار دقیق جهان هستی بپردازند همین اعتقاد مذهبی آنان بود».

از سوی دیگر چگونه ممکن است کسی که این دنیا را مرحله نهائی و هدف اصلی می شمرد با کسی که آن را یک «مزرعه» و «میدان آزمودگی» برای زندگی جاویدانی که دنبال آن است می داند یکسان ببیند؟ او از آن ظاهری بیش نمی بیند و این به اعماق ژرفش می اندیشد.

و این اختلاف دیدها در تمام زندگی آنها اثر می گذارد:

آن «ظاهربین» انفاق را سبب خسران و زیان می شمرد، در حالی که این «موحد» تجارتی پر سود می داند.

آن یکی رباخواری را مایه افزایش درآمد، و این یکی مایه وبال و بدبختی و زیان. آن یکی جهاد را مایه دردسر و شهادت را به معنی نابودی و این یکی جهاد را رمز سربلندی و شهادت را حیات جاویدان می شمرد.

آری افراد بی ایمان تنها ظاهری از زندگی دنیا را می بینند و از آخرت غافلند (يعلمون ظاهرا من الحياة الدنيا و هم عن الآخرة هم غافلون).

۳ - تطبیق تاریخی

برای اینکه بدانیم شکست رومیان از ایرانیان و سپس پیروزی آنها در چه مقطع تاریخی واقع شده است کافی است بدانیم که در تواریخ امروز، دردوران خسرو پرویز، به یک دوران جنگ طولانی میان ایرانیان و رومیان برخورد می‌کنیم که بیست و چهار سال دوام یافت، و از ۶۰۴ میلادی تا ۶۲۸ به طول انجامید.

در حدود سنه ۶۱۶ میلادی دو سردار معروف ایرانی بنام «شهر براز» و «شاهین» به قلمرو روم شرقی حمله کردند، آنها را شکست سختی دادند، و منطقه شامات و مصر و آسیای صغیر را مورد تاخت و تاز قرار دادند، دولت روم شرقی که گرفتار شکست سختی شده بود تا آستانه انقراض پیش رفت و دولت ایران تمام متصرفات آسیائی او را با مصر تسخیر کرد. و این در حدود سال هفتم بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. ولی پادشاه روم «هرقل» از سال ۶۲۲ میلادی تهاجم خود را به ایران شروع کرد و شکست‌های پی در پی به سپاه خسرو پرویز وارد ساخت، و تا سال ۶۲۸ میلادی این جنگ‌هایی که به نفع رومیان بود ادامه یافت، «خسرو پرویز» شکست سختی خورد و مردم ایران او را از سلطنت خلع کرده و پسرش «شیرویه» را بجای او نشاندند.

با توجه به اینکه میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در سال ۵۷۱ و بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در سال ۶۱۰ میلادی واقع شد شکست رومیان منطبق بر سال هفتم بعثت و پایان پیروزی رومیان و شکست خسرو پرویز بر سال پنجم تا ششم هجرت منطبق می‌شود، و می‌دانیم در سال پنجم فتح خندق اتفاق افتاد و در سال ششم صلح حدیبیه اتفاق افتاد، البته انتقال اخبار جنگ ایران و روم به منطقه حجاز و مکه نیز معمولاً مقداری از زمان را اشغال می‌کرده است و به این ترتیب تطبیق تاریخی این خبر قرآنی روشن می‌شود (دقت کنید).

